

تشکیل دولت وحدت ملی فراگیر در اسرائیل و راهبرد تقسیم پیامدها

در اوایل نیمه دوم اردیبهشت‌ماه تحول مهمی در اسرائیل رخ داد که برای ناظران رژیم صهیونیستی و تحلیلگران بین‌المللی قابل توجه بود. کمی پیش از این تحول بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، اعلام کرد که قصد دارد انتخابات زودرس برگزار کند، اما چند روز بعد و به صورت ناگهانی وی به همراه شائول موفاز، رهبر حزب کادیما وزیر پیشین دفاع در یک مصاحبه مشترک تلویزیونی ظاهر شد و از توافق حزب لیکود و حزب کادیما برای تشکیل دولت وحدت ملی سخن به میان آورد. هم بنیامین نتانیاها و هم شائول موفاز در مورد بی‌سابقه بودن چنین دولتی سخن گفتند. بدین ترتیب دولت نتانیاها از یک اکثریت پارلمانی قابل اطمینان یعنی ۹۲ کرسی برخوردار شد و دیگر نیازی به ائتلاف با احزاب کوچک برای تشکیل دولت یا ادامه حیات دولت نخواهد داشت.

بنیامین نتانیاها و شائول موفاز درباره علت این اتحاد به صورت مبهم سخن گفتند، اما هر دو در مورد ضرورت تشکیل دولت وحدت ملی برای مقابله با آنچه آنها «چالش‌های امنیتی پیش روی

* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

اسرائیل» خواندند، دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. بلافاصله پس از اعلام توافق نتانیاها و موفاز در مورد تشکیل دولت وحدت ملی، صاحب‌نظران داخلی اسرائیل چند دلیل مهم را به‌عنوان علل این تصمیم دولت نتانیاها مورد اشاره قرار دادند. نخستین موضوع خارج شدن دولت نتانیاها از زیاده‌خواهی احزاب کوچک و دین‌دار اسرائیل و تکیه بر یک اکثریت پارلمانی مطمئن است؛ دوم چالش بزرگ امنیتی اسرائیل در زمینه برخورد با پرونده هسته‌ای ایران است؛ سوم ضرورت دستیابی دولت اسرائیل به یک توافق فوری با فلسطینی‌ها برای مقابله با احتمالات پیش‌بینی نشده به‌ویژه در موضوع تحولات جهان عرب و به‌طور مشخص تحولات کشور مصر است.

هدف این نوشته تبیین موضوع دوم در شرایط کنونی است. پیش از پرداختن به این موضوع یادآوری این نکته ضروری است که رژیم صهیونیستی در طول حیات کوتاه موجودیت خود کمتر اقدام به تشکیل دولتی در این سطح از وحدت داخلی کرده است. در این زمینه رهبران و استراتژیست‌های رژیم صهیونیستی از راهبرد «تقسیم پیامدها» برای برخورد با یک مقوله استثنایی یا اخذ یک تصمیم استثنایی پیروی می‌کنند. مفهوم راهبرد تقسیم پیامدها روی اصل پذیرش مسئولیت یک اقدام حیاتی و راهبردی از سوی احزاب بزرگ و تاثیرگذار در عرصه سیاسی رژیم صهیونیستی استوار است. پیش از این، تاریخ به یاد دارد که رژیم صهیونیستی کمی پیش از جنگ ژوئن اعراب و اسرائیل اقدام به تشکیل دولتی فراگیر کرد تا با اطمینان و ثبات بیشتر به جنگ همه‌جانبه با کشورهای عربی مبادرت کند. همچنین در دهه هشتاد میلادی رژیم صهیونیستی به رهبری مناخیم بگین اقدام به تشکیل یک دولت وحدت ملی فراگیر کرد و چندی بعد از آن به رأکتورهای اتمی عراق حمله نمود و آن را ویران ساخت. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که تشکیل دولت وحدت ملی به‌وسیله دولت راست‌گرای نتانیاها مقدمه چه اقدامی در سیاست‌های رژیم صهیونیستی خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش، بسیاری از ناظران سیاسی چالش اتمی ایران را به‌عنوان دلیل مهم این اقدام دولت اسرائیل قلمداد کردند. پاره‌ای دیگر از صاحب‌نظران دلایل دیگری برای این اقدام اسرائیل مطرح کردند، اما آنچه به‌طور قطع می‌توان در مورد آن سخن گفت، این است که رهبران رژیم صهیونیستی یا در آستانه اتخاذ یک تصمیم حاد و حیاتی و راهبردی قرار گرفته‌اند و یا اینکه این تصمیم حاد و حیاتی را اتخاذ

نموده‌اند، اما برای ورود به مرحله اجرایی آن نیاز به یک چتر ملی وسیع دارند که تشکیل دولت وحدت ملی فراگیر از نشانه‌های آن محسوب می‌شود. حال باید دید آیا اسرائیل قصد دارد در محور مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها به منظور دستیابی به توافق نهایی فعال شود و یا موضوع ایران در راس عوامل و دلایل این تصمیم بنیامین نتانیاهو قرار دارد؟ به دلایل زیر به نظر می‌رسد موضوع ایران اصلی‌ترین عامل توافق دو رقیب سیاسی در اسرائیل بوده است.

الف. هم بنیامین نتانیاهو و هم موفاز از ضرورت مقابله با چالش امنیتی پیش‌روی اسرائیل سخن به میان آوردند. ناگفته پیداست که در محور مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها چالش امنیتی چندانی امنیت اسرائیل را هدف قرار نداده است؛ زیرا حتی در جبهه نیروهای جهادگرا نظیر جنبش حماس و جهاد اسلامی فلسطین توافق نانوشته‌ای در مورد ضرورت حفظ آرامش میان رژیم صهیونیستی و نیروهای اسلام‌گرا وجود دارد که از سوی دو طرف در حال اجراست. بنابراین در جبهه فلسطینی‌ها و اسرائیل چالش امنیتی قابل توجهی وجود ندارد که رژیم صهیونیستی نیاز به پشتوانه وسیع احزاب رقیب داشته باشد.

ب. حزب لیکود و حزب کادیما در مورد چگونگی تعامل با موضوع فلسطینی‌ها اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظرها همواره دستمایه رقابت‌های سیاسی دو طرف عمده بوده است. بنابراین در چشم‌انداز مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطینی‌ها پدیده‌ای تحت عنوان تصمیم حیاتی و راهبردی رژیم صهیونیستی برای دستیابی به توافق نهایی با فلسطین مشاهده نمی‌شود. این موضوع هنگامی که به پرونده هسته‌ای ایران می‌رسد، اختلاف نظرهای دو رقیب عمده در اسرائیل یعنی حزب لیکود و کادیما تقریباً به صفر می‌رسد. در نتیجه هم بنیامین نتانیاهو و هم شائول موفاز در مورد ضرورت مقابله با آنچه آنها «تهدید اتمی ایران» می‌خوانند، می‌توانند به وحدت شبه‌کامل برسند.

ج. رژیم صهیونیستی به صورت آشکار اعلام کرده بود که بهار و یا اوایل تابستان سال ۹۱ آخرین فرصت برای موفقیت اقدامات دیپلماتیک در محور مذاکرات اتمی کشورهای ۵+۱ با ایران است. اما رهبران اسرائیل همواره روی بیهوده بودن تلاش‌های مجموعه ۵+۱ با ایران تاکید کرده و از ضرورت مقابله نظامی با تهدید ایران سخن گفته است. تل‌آویو بر این باور است که توافق ۵+۱

با ایران در چشم‌انداز کوتاه‌مدت قابل حصول نیست. از دیگر سو رهبران اسرائیل روی مهارت ایران برای پرش از روی تحریم‌ها تاکید کرده و معتقد است بازار جهانی نفت در اسارت مانورهای سیاسی ایران قرار دارد.

د. رژیم صهیونیستی به طور سنتی اقدامات مهم و حیاتی خود را در شرایطی به مرحله اجرا می‌گذارد که پایتخت‌های مهم جهانی به‌ویژه واشنگتن و پاریس و لندن در دوره‌های انتقالی قدرت از قبیل برگزاری انتخابات، به‌سر می‌برند. اسرائیل فرصت‌هایی از این قبیل را شرایط مساعد برای اتخاذ و یا اجرای تصمیمات مهم تلقی می‌کند. لابی‌های اسرائیل در این پایتخت‌ها موضوع مورد نزاع اسرائیل را به ساختار اصلی کشمکش‌های سیاسی پایتخت‌های یاد شده منتقل می‌کنند و رقبای اصلی را یا به همراهی و یا به انفعال در برابر تصمیمات حیاتی اسرائیل سوق می‌دهند.

ه. رهبران و تحلیلگران اسرائیل بر این باور هستند که کشور مصر و تحولات آن به سمت و سویی حرکت می‌کند که چشم‌انداز آن تیره است. پاره‌ای از تحلیلگران اسرائیل معتقدند تاریخ به صورت معکوسی خود را تکرار می‌کند. در سال ۱۹۷۹ قرن پیشین، اسرائیل هم‌پیمان منطقه‌ای مهمی یعنی رژیم شاه را از دست داد، اما در مقابل بزرگ‌ترین کشور عربی یعنی مصر را از گردونه کشمکش اعراب و اسرائیل خارج کرد. از دیدگاه تحلیلگران اسرائیل اینک که کشور مصر به سمت و سوی نامعلوم و مبهم حرکت می‌کند، اسرائیل باید ایران را از گردونه مبارزه علیه رژیم صهیونیستی خارج کند.

ج. این احتمال نیز وجود دارد که اعلام تشکیل دولت وحدت ملی در اسرائیل با این هدف صورت گرفته است که رهبران اسرائیل این پیام را به ایران بدهند که ارتش رژیم صهیونیستی برای مقابله با تهدید اتمی ایران در صورت شکست مذاکرات سوم خرداد در بغداد به حال آماده‌باش در خواهد آمد. در نتیجه و از طریق سوق دادن رهبران جمهوری اسلامی ایران به یک توافق اجباری با ۱+۵ اسرائیل به هدف واقعی خود یعنی رفع تهدیدهای ایران و یا کاهش آن دست یابد. این احتمال البته ضعیف است؛ زیرا سازوکارهای سیاسی در اسرائیل اجازه مانور پیچیده سیاسی با منفعت کوتاه‌مدت به دولت‌های این رژیم نمی‌دهد.

ط. رژیم صهیونیستی معتقد است اوضاع سوریه و بحران فزاینده این کشور و نیز به محاصره

درآمدن حزب‌الله لبنان و به کنترل درآمدن جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، وضعیت منطقه‌ای ایران به این کشور اجازه نخواهد داد که در صورت وقوع حمله نظامی به تاسیسات اتمی‌اش از بازوان بحران‌زده و کنترل‌شده خود برای فراگیر کردن یک کشمکش نظامی بهره بگیرد. اسرائیل معتقد است شاید چنین فرصت استثنایی با توجه به مساعد بودن دیگر شرایط برای تل‌آویو تکرار نشود.

با توجه به موضوعات و نشانه‌های یاد شده، خطر ناشی از انتقال رژیم صهیونیستی به یک وضعیت باثبات سیاسی برای اتخاذ تصمیمات مهم باید مورد توجه کارشناسان و مسئولان کشورمان قرار گیرد.